

Developing a Mechanism for Residential Experience Based on the Affordances of Boundary spaces Around the House: Comparative Analysis of Experts' Viewpoints and Residents' Lived Experience

Abstract

Boundary spaces, as the context of human interaction, can provide a theoretical tool for analyzing the experience of inhabitation. These spaces, which mediate between private and public realms, play a critical role in shaping everyday practices, perceptions, and social relationships. Understanding the relationship between boundary spaces and inhabitation requires, first, recognizing the spatial, social, and symbolic capacities of boundary spaces and, second, clearly defining inhabitation not merely as physical occupancy, but as a lived and experiential process. In this regard, inhabitation is understood as an ongoing interaction between residents, spatial configurations, and contextual conditions. Situated within the naturalistic paradigm and employing a qualitative research approach, this study aims to develop a conceptual model of the mechanisms underlying the experience of inhabitation based on the shaping factors of boundary spaces surrounding the home. In this framework, inhabitation is conceptualized as a dynamic, process-oriented, and context-dependent phenomenon that evolves over time. It is formed through two key spatial mechanisms including differentiation (spatial distinction) and subdivision (personalization), through which individuals and households appropriate space according to their needs, identities, and everyday practices. Boundary spaces act as mediators of these mechanisms, enabling a discourse between individual and collective domains. From a human-centered perspective, boundary spaces are modeled as a multi-layered system within the residential environment, structured across three analytical dimensions: physical, social, and semantic. The physical dimension addresses aspects such as spatial configuration, scale, material characteristics, permeability, visibility, and accessibility. The social dimension focuses on patterns of interaction, degrees of social control, collective behaviors, and informal regulations that emerge within boundary spaces. The semantic dimension relates to meanings, symbolic values, sense of belonging, and residents' subjective perceptions and interpretations of space. Together, these dimensions provide a comprehensive framework for understanding how boundary spaces actively shape the experience of inhabitation. To examine the influence of shaping factors within each dimension, a nine-point Saaty-scale questionnaire was completed by eight academic experts in architecture and urban studies. The collected data were analyzed using the Analytic Network Process

Received: 11 Sep 2025

Received in revised form: 06 Nov 2025

Accepted: 16 Dec 2025

Elham Nouri¹ [iD](#)

PhD Candidate of Architecture, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: elham.nouri@alumni.ut.ac.ir

Alireza Einifar² [iD](#) (Corresponding Author)

Professor, Department of Architecture School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: aeinifar@ut.ac.ir

Maryam Gharavi Alkhansari³ [iD](#)

Assistant Professor, Department of Architecture, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: mgharavi@ut.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.408411.673151>

(ANP), which allows for the identification of interdependencies and feedback relationships among factors. Through this process, the relative weight of each shaping factor was determined, resulting in an initial model of the inhabitation process based on expert judgment and theoretical insight. In the subsequent phase, the same set of factors was evaluated by neighborhood residents using a Likert-scale questionnaire. The resulting weights were normalized to enable systematic comparison with the expert-based results. By examining the correlation between the weighted factors derived from expert opinions and those emerging from residents' lived experiences -while also accounting for contextual influences such as socio-cultural and environmental conditions- the final model for analyzing the experience of inhabitation was developed. The proposed model serves as a theoretical and analytical tool that emphasizes the interactive and relational role of boundary spaces in the inhabitation process. Rather than being treated as passive or residual zones, boundary spaces are understood as active and generative elements that mediate spatial distinction and personalization, thereby playing a central role in shaping, sustaining, and interpreting the lived experience of inhabitation.

Keywords: boundary spaces, inhabitation process, residence experience, surrounding environment of the house, the ANP method

Citation: Nouri, Elham; Einifar, Alireza, & Gharavi Alkhansari, Maryam. (2025). Developing a mechanism for residential experience based on the affordances of boundary spaces around the house: Comparative analysis of experts' viewpoints and residents' lived experience. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 30(4), 23-36. (in Persian)



© Authors retain the copyright and the full publishing.

Publisher: University of Tehran Press.

"This article is derived from the first author's doctoral dissertation, entitled "The role of the affordances of boundary spaces around the house in the experience of dwelling," which is being conducted under the supervision of the second and the third authors at the University of Tehran.

تدوین سازو کار تحلیل تجربه‌ی سکونت بر اساس قابلیت‌های فضاهای مرزی پیرامون خانه (تحلیل تطبیقی دیدگاه خبرگان و تجربه‌ی زیسته‌ی ساکنین)*

چکیده

فضاهای مرزی به عنوان عرصه‌های تعاملات انسانی، می‌توانند بستری برای تحلیل تجربه‌ی سکونت باشند. درک ارتباط بین این دو مفهوم، مستلزم شناخت قابلیت‌های فضاهای مرزی و تعریف سکونت است. پرسش اصلی پژوهش این است که، فضاهای مرزی پیرامون خانه چگونه بر تجربه‌ی سکونت تأثیر می‌گذارد؟ پژوهش در پارادایم تفسیرگرایی و با اتکا به روش کیفی، سکونت را فرآیندی پویا و

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

الهام نوری^۱: دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: elham.nouri@alumni.ut.ac.ir

علیرضا عینی‌فر^۲ (نویسنده مسئول): استاد گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: aeinifar@ut.ac.ir

مریم غروی الخوانساری^۳: دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
E-mail: mgharavi@ut.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.408411.673151>

زمینه‌گرا تعریف می‌کند که بر مبنای تمایز (تمییز فضایی) و تقسیم (برای شخصی‌سازی فضا) توسط فضاهای مرزی، شکل می‌گیرد. بر این اساس فضاهای مرزی بانگهی انسان محور، در سه لایه یا سه بُعد کالبدی، اجتماعی، معنایی در محیط پیرامون خانه مدل‌سازی شدند. برای سنجش میزان تأثیر عوامل شکل‌دهنده‌ی هر بُعد، ابتدا با بهره‌گیری از نظرات ۸ خبره دانشگاهی و تکنیک فرآیند تحلیل شبکه (ANP)، وزن عوامل مشخص و مدل فرآیند سکونت به دست آمد. سپس جهت تدقیق مدل در بستر واقعی، پرسشنامه‌ای مبتنی بر طیف لیکرت توسط ساکنان تکمیل و داده‌ها باروش‌های آماری نرمال‌سازی شد. با سنجش همبستگی وزن عوامل در نظر خبرگان و تجربه‌ی ساکنان و تأثیر عوامل زمینه‌ای، مدل نهایی تحلیل تجربه‌ی سکونت به دست آمد. این مدل فضاهای مرزی را نه صرفاً عناصری صلب، بلکه عواملی «مولد و فعال» معرفی می‌کند که از طریق پیوندهای تعاملی، کیفیت تجربه‌ی سکونت را ارتقا می‌بخشند.

واژه‌های کلیدی: تجربه‌ی سکونت، روش PNA، فرآیند سکونت، فضاهای مرزی، محیط پیرامون خانه

استناد: نوری، الهام؛ عینی‌فر، علیرضا و غروی الخوانساری، مریم (۱۴۰۴)، تدوین سازو کار تحلیل تجربه‌ی سکونت بر اساس قابلیت‌های فضاهای مرزی پیرامون خانه (تحلیل تطبیقی دیدگاه خبرگان و تجربه‌ی زیسته‌ی ساکنین). نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۰(۴)، ۲۳-۳۶.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، مباحث مرتبط با معماری و محیط از تمرکز صرف بر فرم و کارکرد به سمت توجه عمیق‌تر به ابعاد انسانی سکونت و تجربه زیستی انسان در محیط‌های ساخته‌شده حرکت کرده‌است (بنکدار و قرایی، ۱۳۹۰، ۵۱). این تحول نگرش را که یان گل و اینگرید گل در سال ۱۹۷۱ با انتشار آثاری چون زندگی در میان ساختمان‌ها^۱ و روانشناسی مسکن^۲ پایه‌گذاری کردند، نقطه عطفی در درک تعامل انسان و محیط کالبدی محسوب می‌شود (Sim, 2019, p. 4). زمینه‌های اولیه این تغییر رویکرد را می‌توان در نقد عملکردگرایی و پیامدهای نامطلوب برنامه‌ریزی شهری مدرنیستی جستجو کرد. در این زمینه، جین جیکوبز با طرح دیدگاه‌های جدید، بر ضرورت مشاهده‌ی زندگی و مردم‌پیش از طراحی و برنامه‌ریزی تأکید کرد (Jacobs, 1961). این دیدگاه، برخلاف اصول عملکردگرایی که اغلب به فرم‌ها و کاربری‌های از پیش تعیین‌شده بها می‌داد، اهمیت تجربه زیسته انسان، تعاملات روزمره و پویایی‌های اجتماعی را در فضاهای شهری برجسته ساخت و زمینه را برای توجه به ابعاد انسانی سکونت فراهم کرد. مفهوم «زندگی در میان ساختمان‌ها»، که یان گل مطرح کرد، به‌طور مستقیم بر اهمیت فعالیت‌ها و تعاملات انسانی در فضاهای پیرامون ساختمان‌ها، که می‌توانند مصداق فضاهای مرزی باشند، بر نقش توجه به این فضاها در ارتقاء کیفیت زندگی تأکید می‌کنند.

در تکمیل این مبانی، تئوری‌های فضاهای واسط و مرزی، نقش حیاتی این فضاها را در تجربه انسان آشکار کردند. مفهوم بینابینیت^۳ در دهه ۱۹۶۰ توسط آلدو فن آیک از اعضای تیم‌تن به حوزه معماری وارد شد. فن آیک، فضاهای بینابین را فضای گذار تعریف و بر ماهیت بنیادی و اجتناب‌ناپذیر آن تأکید کرد (Ng & Lim, 2018, p. 76). بینابینیت نه تنها یک وضعیت گذار، بلکه واجد نیروی تولیدی ذاتی و قابلیت برای رهایی از محدودیت‌های از پیش تعیین شده است (Ng & Lim, 2018, p. 131). این دیدگاه، فضاهای مرزی را نه تنها نواحی بی تفاوت، بلکه بستری فعال با قابلیت‌های ذاتی برای تسهیل ارتباطات، میانجیگری و تعلق واقعیت روزمره می‌داند (Sfinteş, 2014, p. 3). اهمیت در نظر گرفتن فرآیندهای مرزبندی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، توجه به مناطق مرزی به‌عنوان حوزه‌هایی برای رقابت، تعامل و همزیستی است (Iossifova & Kosten-Wein, 2024, p. 1).

تجربه‌ی سکونت فرآیندی پویا، زمانمند و محصول ساخت اجتماعی است و ارائه‌ی مدلی ثابت و قابل تعمیم برای آن ممکن نیست (Vis, 2013, p. 4; Chiesi & Costa, 2023, p. 2, 3; Iturra, 2015, p. 74-75). فضاهای مرزی نیز مفاهیمی عمیق، چندوجهی و مبتنی بر تغییر و پویایی هستند (van den Brink et al., 2022, p. 4; Vis, 2018, p. 115; van den Brink, van den Brink & Bruns, 2022, p. 3). در نتیجه، بررسی نقش این فضاها در تجربه‌ی سکونت نیازمند نگاه کل‌نگر و چارچوبی مفهومی است که بر ارتباط تعاملی و درهم‌تنیده‌ی میان ابعاد مختلف تمرکز کند. در این پژوهش سه بُعد کالبدی، اجتماعی و معنایی برای فضاهای مرزی در نظر گرفته شده است. این سه بُعد در فرآیند سکونت با یکدیگر در تعامل و اثرگذاری متقابل هستند؛ به‌طوری که بُعد کالبدی بستر قابلیت‌ها، بُعد اجتماعی کشش و فضاسازی، و بُعد معنایی خروجی ذهنی و تولید هویت و حس تعلق را در پی دارد. تدوین سازوکار دقیق برای تحلیل پیوندهای

میان این ابعاد (همچون «تفسیر و تملک» و «تجسم و معناسازی»)، ابزاری کارا برای تحلیل تجربه‌ی سکونت بر مبنای قابلیت‌های فضاهای مرزی در اختیار محققان و متخصصان قرار خواهد داد.

بنابراین، هدف این پژوهش توسعه‌ی روشی برای تحلیل سازوکار تجربه‌ی سکونت بر اساس عوامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای مرزی در پیرامون خانه است. برای نیل به این هدف، پرسش اصلی پژوهش این است که، فضاهای مرزی پیرامون خانه چگونه بر تجربه‌ی سکونت ساکنین تأثیر می‌گذارند؟ فرض این است که فضاهای مرزی با تأثیراتی که در مقیاس‌های مختلف و در ابعاد گوناگون بر یکدیگر می‌گذارند، در فهم و تجربه‌ی یکپارچه از محیط اهمیت بسیاری دارند. در نهایت، با تکیه بر نظریه قابلیت، می‌توان به درک عمیق‌تری از نقش قابلیت‌های فضاهای مرزی پیرامون خانه در تجربه‌ی سکونت دست یافت.

روش پژوهش

تجربه‌ی سکونت فرآیندی است که با دریافت‌های زمانمند و پویای مردم و ساکنین محیط‌های مسکونی و در بستر زندگی روزمره شکل می‌گیرد. به همین دلیل، تفسیرگرایی در روش‌های تحقیق کیفی می‌تواند برای مطالعه مناسب باشد. ویژگی شاخص تفسیرگرایی، فراهم آوردن امکان فهم پیچیدگی‌های تجربه زندگی روزمره از دیدگاه مردم است (گروت و وانگ، ۲۰۰۲/۱۳۹۰، ۱۸۵). اطلاعات مورد نیاز تحقیق در سه گام متوالی دریافت می‌شود. گام اول، طراحی و تکمیل پرسشنامه برای دریافت نظر خبرگان است. در گام دوم، پرسشنامه دیگری برای دریافت نظر ساکنین طراحی و تکمیل می‌شود؛ و در نهایت تطبیق مدل فرآیند سکونت و تجربه‌ی ساکنین در گام سوم انجام می‌شود.

گام اول: پرسش از خبرگان (تدوین مدل مفهومی)

در این گام پرسش‌نامه‌ای شامل مقایسه‌های زوجی بر اساس مقیاس ۹ عددی ساعتی^۴ تنظیم می‌شود که ۸ خبره‌ی دانشگاهی در رشته‌های معماری و طراحی شهری عوامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای مرزی پیرامون خانه را در سه بُعد کالبدی، اجتماعی و معنایی اولویت‌بندی کنند. سپس پاسخ‌ها به روش تحلیل شبکه‌ای^۵ (ANP) برای تشخیص میزان وزن یا تأثیرگذاری عوامل در فرآیند سکونت، سنجیده می‌شوند. روش تحلیل شبکه‌ای (ANP) توسعه‌یافته‌ی روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) است که توماس ساعتی برای در نظر گرفتن وابستگی‌ها و بازخوردهای درونی میان معیارها و گزینه‌ها ابداع کرد (Saaty, 1996). برخلاف AHP که ساختاری سلسله‌مراتبی و خطی دارد، در ANP روابط شبکه‌ای و تعاملات متقابل میان عناصر درون و بین خوشه‌ها^۶ در نظر گرفته می‌شود (Saaty & Vargas, 2012). بدین ترتیب با بررسی میزان وزن هر عامل و وزن ابعاد فضاهای مرزی، مدل اولیه‌ی فرآیند سکونت بر اساس نظر خبرگان به دست می‌آید.

گام دوم: پرسش از ساکنین (تحلیل تطبیقی مدل در نمونه‌ی موردی)

به‌منظور بررسی تجربه‌ی سکونت ساکنین در محله‌ی عبید زاکانی قزوین که به‌عنوان نمونه‌ی موردی انتخاب شده است، پرسشنامه‌ای بر اساس مقیاس لیکرت تهیه و توسط ساکنین تکمیل شد. در این پرسشنامه علاوه بر عوامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای مرزی، عوامل زمینه‌ای نیز ارزیابی شده‌اند.

گام سوم. تطبیق مدل فرآیند سکونت و تجربه‌ی ساکنین

برای مقایسه‌ی نتایج به‌دست آمده از پرسشنامه‌ی ساکنین (با استفاده از مقیاس لیکرت) با نتایج به‌دست آمده از پرسشنامه‌ی خبرگان (با استفاده از مقیاس ۹ عددی ساعتی)، میانگین به‌دست آمده برای هر عامل در پرسشنامه‌ی ساکنین نرمال‌سازی می‌شوند تا سهم نسبی یا وزن هر عامل مشخص شود. به دلیل غیرنرمال بودن داده‌ها، در ادامه با استفاده از روش همبستگی اسپیرمن، میزان همسویی یا تفاوت دیدگاه دو گروه در ارزیابی ابعاد و عوامل فضاهای مرزی سنجیده می‌شود. برای بررسی تأثیر عوامل زمینه‌ای مانند مدت سکونت، نوع خانه و ویژگی‌های محل زندگی بر پاسخ‌های ساکنین، از آزمون‌های *Mann-Whitney U* (برای مقایسه دو گروه مستقل) و *Kruskal-Wallis* (متغیر مستقل با بیش از دو گروه) استفاده خواهد شد. این دو آزمون از روش‌های ناپارامتریک هستند و زمانی به کار می‌روند که داده‌ها توزیع نرمال نداشته باشند یا مقیاس آن‌ها رتبه‌ای باشد.

پیشینه پژوهش

برای شناخت ارتباط مفهومی و کارکردی فضاهای مرزی و تجربه‌ی سکونت، ابتدا مفهوم سکونت و سپس فضای مرزی و ارتباط آن به مطالعات اجتماعی-فضایی مطرح می‌شود.

مفهوم سکونت و سکونتگاه

سکونت فرآیندی پویاست که ساکن فضا برای انسانی کردن آن صورت می‌دهند (Iturra, 2015, p. 74). در پژوهش‌هایی به زمانمند بودن این فرآیند و دخالت مستقیم و فعالانه‌ی انسان در آن تأکید شده است (Chiesi & Costa, 2023, p. 3). در مواردی نیز سکونت نتیجه‌ی ارتباط انسان با محیط فیزیکی اطراف و موضوعی اجتماعی-فضایی معرفی می‌شود. به این معنا که انسان از تجربه‌ی خود در ایجاد تمایز میان ویژگی‌های مصالح، برای کنترل عمل خود بر محیط فیزیکی استفاده می‌کند تا فضاهایی را برای سکونت ایجاد نماید (Vis, 2013, p. 4). به این ترتیب ساکنین با زندگی در فضا به فرم‌های طراحی شده بر اساس نیازهای اجتماعی، سبک و فرهنگ زندگی خود شکل داده و آن را تغییر می‌دهند (Chiesi & Costa, 2023, p. 2-3).

سکونتگاه نتیجه‌ی فرآیند شکل‌گیری مداوم مکان‌ها، در مقیاس‌های مختلف است که به واسطه‌ی تجربیات منحصر به فرد، و ایجاد حس تعلق، نسبت به سایر سکونتگاه‌ها، متمایز می‌شود (Iturra, 2015, p. 74). سکونتگاه، نه یک واقعیت از پیش موجود یا «طبیعی»، بلکه نتیجه‌ی فرآیند ساخت اجتماعی است که در آن انسان‌ها به صورت فعال، مستقیم و در روندی تدریجی با ترکیبی از سازمان‌های اجتماعی-فرهنگی، سرزمینی و سیاسی-اقتصادی در تحقق آن دخیل هستند (Iturra, 2015, p. 75).

فضاهای مرزی

فضای مرزی مفهومی جامع است که مفاهیمی چون فضای مابین (نوری و عینی فر، ۱۴۰۰)، فضای مفصلی (نوری، ۱۴۰۰)، فضای تهی (عطار عباسی و دیگران، ۱۳۹۸)، سخت فضا و نرم فضا (کرامتی، ۱۳۸۷)، لبه (غروی، ۱۳۹۰)، فضای خالی (ریاحی فرد، ۱۳۹۲)، آستانگی (علی‌نای مطلق، ۱۳۹۹)، جداره یا حریم وصل (بدیعی، ۱۳۸۱)، فضای مرزی-پیوندی (میرشاهزاده و دیگران، ۱۳۹۰) و مفاهیمی مشابه را در برمی‌گیرد. در معماری سه عامل شرایط فضایی، تقسیم فضایی و تجربه‌ی فضایی در شکل‌گیری مرزها مؤثر هستند

(Lim & Ng, 2018). از طرفی توجه به ماهیت فرارشته‌ای مفهوم مرز در معماری، و ارتباط آن با جغرافیا، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و هنر (Sfintes, 2016)، حائز اهمیت است.

مرزها می‌توانند به‌عنوان عاملی برای یکپارچگی و اتصال در نظر گرفته شوند. پژوهش‌های متعددی به این کارکرد فضاهای مرزی اشاره کرده‌اند. مرزها در نگاه نخست عامل تفکیک فضایی هستند اما درک عمیق‌تر کارکردی، نشان‌دهنده نقش محوری آن‌ها در ایجاد انسجام و یکپارچگی فضایی است (Brunec, Moscovitch & D. Barense, 2018, p. 637). در مواردی با اشاره به واژه بینابینیت، پیوستگی و یکپارچگی اضداد را از طریق مرزها تبیین می‌کنند (Mortazavi, Be- manian & Ansari, 2018, p. 28). در میان نظریه پردازان معاصر، بوئر^۷ به جای توجه به ویژگی‌های فیزیکی مرزها، بر کارکرد آنها به منزله ظرفیتی برای تسهیل ارتباطات، واسطه‌گری و تعلیق واقعیت روزمره تمرکز دارد که می‌تواند نقطه تلاقی جریان‌ها، کارکردها یا انتظارات در نظر گرفته شود (Sfintes, 2014, p. 3). در این دیدگاه، مرزها، به‌عنوان نقاط اتصال، در ایجاد انسجام در نظام‌های فیزیکی، فضایی و اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کنند. بنیامین نیکلاس و ایس^۸ نیز در پژوهش خود به پیوستگی دنیای فضایی و فیزیکی، به واسطه‌ی مرزها، اشاره می‌کند (Vis, 2018, p. 118). همچنین مرزها می‌توانند علاوه بر تعریف فضا، جریان عوامل را از طریق اتصال شهر با فضاهای عمومی تسهیل نمایند و به‌عنوان پیونددهنده تغییرات عمل کنند. بدین ترتیب اتصال محیط انسان ساخت و جریان‌ها به واسطه‌ی فضاهای مرزی محقق می‌شود.

مرزها می‌توانند تأثیری دوسویه نیز داشته باشند، یعنی اتصال و انفصال همزمان ایجاد کنند. در برخی موارد مرزها رافراهم‌کننده‌ی امکان عبور، ارتباط و ارجاع مستمر از مکان به فضای بیرونی می‌دانند (Sfintes, 2014, p. 3). شولتز نیز به «گشودگی و حفاظت همزمان» اشاره دارد (غروی الخوانساری، ۱۳۹۰: ۱۳۲). در مواردی نیز مرزها را به دوزیست تشبیه کرده‌اند که می‌توانند ضمن ایجاد تمایز، نواحی انتقال محسوب شوند (Van den Brink & Bruns, 2022, p. 3).

فضاهای مرزی و مطالعات اجتماعی-فضایی

استفاده‌ی گسترده‌ای از قابلیت‌های فضاهای مرزی و یا مصادیق آن‌ها در مطالعات انسانی و اجتماعی با مفاهیمی همچون فضا، مکان و محیط، وجود دارد. نمونه‌هایی از این رویکرد را می‌توان در بررسی نقش فضاهای نیمه‌باز در ارتقای قابلیت‌پذیری اجتماعی (Askarizad & Safari, 2020)، تبیین مفهوم خلوت‌گزینی و انعطاف‌پذیری عملکردی در قلمروهای عمومی (Zerouati & Bellal, 2020)، یا تحلیل رفتارهای عمومی با تأکید بر خوانایی و قلمروپایی فضاها (بمانیان و دیگران، ۱۳۹۹)، مشاهده کرد. پژوهش‌هایی به بررسی ارزش‌های فضایی مشترک میان شهروندان (رامرزی و دیگران، ۱۴۰۰)، دلایل شکل‌گیری محدوده‌های محصور و اثر آن بر تصویر ذهنی ساکنان (جلیلی و دیگران، ۱۳۹۹؛ ۱۴۰۰) و نیز مقایسه رضایت ساکنان نسبت به قلمروهای فضایی در سطوح مختلف (عینی‌فر و آق‌الطیفی، ۱۳۹۰) پرداخته‌اند. در مطالعات دیگری مانند تحقیق رضایی و همکاران (۱۳۹۵)، کیفیت اجتماعی فضاهای باز بر اساس رویکردی اکولوژیک و با توجه به شبکه‌های اجتماعی و شهری بررسی شده؛ و یا بر پیوند میان شبکه‌های اجتماعی و فضاهای شهری

در مقدمه‌ی کتاب انسان‌شناسی مرزها می‌نویسد: انسان اگر تمام عمرش را صرف مرزها کند، باز هم ارزشمند است. (Vis, 2013, p. 16) ارتباط مفهوم مرز با تفکر منجر به طرح آن در مطالعات شهری و مفهوم مرزگاه شهری^{۱۱} شده است. این مفهوم ارزشمند در شرایط تشخیص مجاورت و همزیستی که در آن عامل ایجاد تمایز وابسته به زمینه با تداوم تغییر است، استفاده می‌شود (Iossifova & Kostenwein, 2024, p. 1-2). تفکر مرزی در دو حوزه‌ی کارکرد مولد فضاهای مرزی و بینابینی و در فرآیند طراحی قابل بررسی است. مرزها تنها تقسیم‌کننده نیستند، بلکه مولد و فعال به حساب می‌آیند؛ به گونه‌ای که حایل هوکر^{۱۲} حاشیه را مکانی برای خلاقیت می‌داند (غروی الخوانساری، ۱۳۹۰: ۱۳۳). گروز^{۱۳} وضعیت بینابینی را «چیزی که تمامی هویت‌ها، ماده‌ها و تمامی جوهر را تسهیل کرده و به وجود می‌آورد» معرفی می‌کند. این وضعیت را دریدا^{۱۴} «محیط اولیه‌ی تولید تمایز» تعریف کرده است (Inan, 2019, p. 131).

در زمینه‌ی طراحی، پیتر آیزنمن^{۱۵}، نظریه‌ی معماری مفهومی را مطرح می‌کند که در آن فضای بینابینی^{۱۶} را عبور از معماری سنتی از طریق حفظ شرایط بینابینی^{۱۷} و غلبه بر محدودیت‌های معماری سنتی از طریق محور کردن^{۱۸} اثره‌ی معماری می‌داند (Inan, 2019, p. 2). در حقیقت آیزنمن سه فاز را در فرایند طراحی شامل الزامات فیزیکی؛ توجه به درونیت^{۱۹} و پیشینه^{۲۰} معماری؛ و لایه‌ای اضافی، دلخواه و مشروط که معرف پیوند عناصر معماری با کارکرد و معناست، مطرح کرده است (Inan, 2019, p. 2-3). وی بر لزوم توجه به شرایط بینابینی به ویژه در مرحله سوم طراحی تأکید و به این ترتیب به فرآیند طراحی اولویت می‌دهد. این نگاه آیزنمن به نظریه‌ی زندگی روزمره لغور^{۲۱} یعنی تولید فضا^{۲۲} در فضاهای بینابینی هم‌راستا است. طبق این نظریه، فضا هم معلول و هم علت، هم محصول و هم مولد است، که در فضاهای بینابینی، بر اساس عملکردهای روزانه ساکنان محلی شکل می‌گیرد (Aboualy, Mansour & El-Fiki, 2022, p. 185).

قابلیت‌های فضاهای مرزی

این پژوهش به فضاهای مرزی پیرامون خانه محدود شده است؛ فضاهایی که به نوعی تعریف‌کننده‌ی خانه و پیونددهنده‌ی آن با محیط پیرامونی محسوب می‌شوند. از این رو شناخت قابلیت‌های فضاهای مرزی در این محدوده می‌تواند ارتباط با تجربه‌ی سکونت را دقیق‌تر نشان دهد. چارچوب نظری پژوهش بر ارتباط تعاملی و درهم‌تنیده‌ی سه بُعد (کالبدی، اجتماعی و معنایی) قابلیت‌های فضاهای مرزی متمرکز است.

● **بعد کالبدی:** یکی از شناخته‌شده‌ترین قابلیت‌های فضاهای مرزی، اهمیت ساختاری و نقش آن‌ها در سازماندهی فضایی است (U.Hensel, 2011, p. 21). الکساندر نظام شبه شبکه‌ای و اتصالات نرم را، در ارتباطات فضایی، مرزها و فضاهای بینابین، معرفی کرده است (الکساندر، ۱۳۹۳). فضاهای مرزی در انعطاف کالبدی (کیانی، سلطان‌زاده و حیدری، ۱۳۹۸: ۶۱) و امکان ایجاد شخصی‌سازی و خودطراحی اجتماعی (Chiesi & Costa, 2023, p. 8) نقش مهمی دارند.

● **بعد اجتماعی:** فضاهای مرزی با برقراری ارتباط میان رفتارهای انسانی و اجتماعی با فضای پیرامون، از طریق کشش‌های انطباقی، فضاسازی^{۲۳} و تملک^{۲۴} (Chiesi & Costa, 2023, p. 2, 4) تسهیل‌گر هستند. این تسهیل‌گری‌ها می‌تواند از طریق مشاهده و بررسی شاخص‌های اجتماعی –

تأکید کرده‌اند (Browning & Soller, 2014). (۲۰۱۴). همچنین در معماری مبتنی بر عملکرد نیز توجه به مرزهای فضا به‌عنوان مؤلفه‌ای پویا و فعال اهمیت یافته است (Hensel, 2011).

توجه به اهمیت مفهوم قلمرو در رابطه‌ی انسان و محیط در محلات مسکونی (Eslami Mojaveri, 2023)، تأثیر جدایی فضایی بر تعاملات اجتماعی محلات مسکونی (Shehab & Salama, 2018)، بهبود کیفیت زندگی از طریق پیونددهی فضاها توسط فضاهای میانی (Sim, 2019) و نقش مرزهای فضایی در مسیریابی و حافظه فضایی انسان (Brunec, 2018)، از موارد مورد توجه در برخی از پژوهش‌ها به‌شمار می‌آید. همچنین با نگاه پدیدارشناختی در پژوهش‌های داخلی (مانند موسوی و همکاران (۱۳۹۵، ۱۳۹۹) به گفت‌وگوی میان درون و بیرون، نحوه ادراک مکان‌ها و نقش انسان در تعریف مرزهای فضایی پرداخته‌اند. تنوع این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مفهوم فضای مرزی ظرفیت بالایی برای تحلیل ارتباط مفاهیم انسانی، اجتماعی و فضایی دارد و می‌تواند به‌عنوان چارچوبی کارآمد در شناخت این روابط، استفاده شود.

مبانی نظری پژوهش

برای تبیین نقش فضاهای مرزی در تحلیل و مطالعه‌ی تجربه‌ی سکونت، مبانی نظری در سه محور اصلی فضاهای مرزی و پویایی تجربه‌ی سکونت؛ تفکر مرزی در ارتباط انسان و محیط و قابلیت‌های فضاهای مرزی مطرح و در انتها مدل چارچوب نظری پژوهش تدوین می‌شود.

فضاهای مرزی و پویایی تجربه‌ی سکونت

فضاهای مرزی می‌توانند پاسخگوی پویایی تجربه‌ی سکونت باشند. در مطالعات محیطی، تجربه‌ی سکونت به جای تمرکز صرف بر کالبد، به‌عنوان یک فرآیند پویا، وابسته به زمان و حاصل ساخت اجتماعی وابسته به تجربه‌های انسانی، ارتباطات اجتماعی و تعامل با محیط، در نظر گرفته می‌شود (Iturra, 2015, p. 74-75; Vis, 2013, p. 4; Chiesi & Costa, 2023, p. 2-3; Coolen & Meesters, 2012, p. 2-3). (Costa, 2023, p. 2-3) آقالطینی و حجت، (۱۳۹۷، ۵۲). از طرفی تغییرپذیری یا انعطاف‌پذیری از مفاهیم پایه در تحلیل فضاهای مرزی غیرثابت و مناطق گذار به‌شمار می‌آیند (Van den Brink & Bruns, 2022, p. 3). فضاهای مرزی به‌عنوان لایه‌ی فضا، تغییر و تطابق را، که لازمه‌ی زندگی کنونی است، شکل داده و عناصر فعالیت‌ها را بازآرایی می‌کنند (Iossifova & Kostenwein, 2024, p. 3). تغییر و تطبیق توسط فضاهای مرزی به واسطه‌ی ایجاد سلسله مراتب فضایی (غروی الخوانساری، ۱۳۹۰: ۱۱۲)، اتصالات نرم در نظام‌های شبه شبکه‌ای (الکساندر، ۱۳۹۳)، امکان وجود کارکردهای متنوع (Aboualy, Mansour & El-Fiki, 2022, p. 200)، شکل‌گیری تنوع مکانی و عملکردی در فضاهای باز (Yaghmaeian & Habib, 2019, p. 17)، امکان اصلاحات خود طراحی شده و نیمه دائمی (Chiesi & Costa, 2023, p. 8) و شخصی‌سازی فضا محقق می‌شود.

تفکر مرزی در ارتباط انسان و محیط

تعریف مرزها، معنا بخشی به جهان پیرامون توسط انسان است که از طریق ایجاد تمایز میان اشیاء محقق می‌شود و فرصت مناسبی برای تفکر و عمل فراهم می‌آورد (Van den Brink & Bruns, 2022, p. 3). تفکر مرزی بر ضرورت مرزها برای حیات مبتنی است. ادوارد هال^{۲۵} (۱۹۹۶)

باشهر، تعریف می کنند (تصویر ۱). در این مدل وجود سه بُعد مذکور در سه لایه از فضاهای مرزی پیرامون خانه تعیین شده است. بطور نسبی در لایه ی اول بُعد کالبدی، در لایه ی دوم بُعد اجتماعی و در لایه ی سوم بُعد معنایی در شکل گیری تجربه ی سکونت تأثیر بیشتری دارند.

علاوه بر توجه به وجود ابعاد و لایه های مختلف فضاهای مرزی، در مدل اولیه (تصویر ۱)، به لزوم نفوذپذیری و پیوستگی میان ابعاد فضاهای مرزی در لایه ها یا مقیاس های مختلف در محیط پیرامون خانه و همچنین خاصیت پویایی و تغییرپذیری فضاهای مرزی، در هر سه بُعد، اشاره شده است. بنابراین، فضاهای مرزی پیرامون خانه به نوعی ارتباط خانه و شهر و تجربه ی سکونت را شکل می دهند. در این ارتباط دو سویه، با حرکت از سمت شهر به خانه تأثیر محدود کنندگی و تعریف کنندگی فضاهای مرزی و در حرکت از سمت خانه به شهر تأثیر فضاهای مرزی در پیوند و الحاق به محیط شهر تجربه می شود. بر اساس مدل اولیه، مفاهیم و عوامل متناظر با هر مفهوم در ابعاد مختلف فضاهای مرزی پیرامون خانه استخراج شده است (تصویر ۲). عوامل موثر در شکل گیری تجربه ی سکونت، با استخراج از پاسخ ها اولویت بندی و روابط درونی آن ها بررسی شده است. برای تدقیق پاسخ ها، مصادیق هر یک از عوامل شکل دهنده ی فضاهای مرزی برای پاسخ دهندگان در پرسشنامه ها تشریح شده است. به این ترتیب، مدل اولیه (تصویر ۱)، مبنای نمودار تعریف شاخص های فضاهای مرزی در ارتباط با سکونت قرار گرفته است (تصویر ۲).

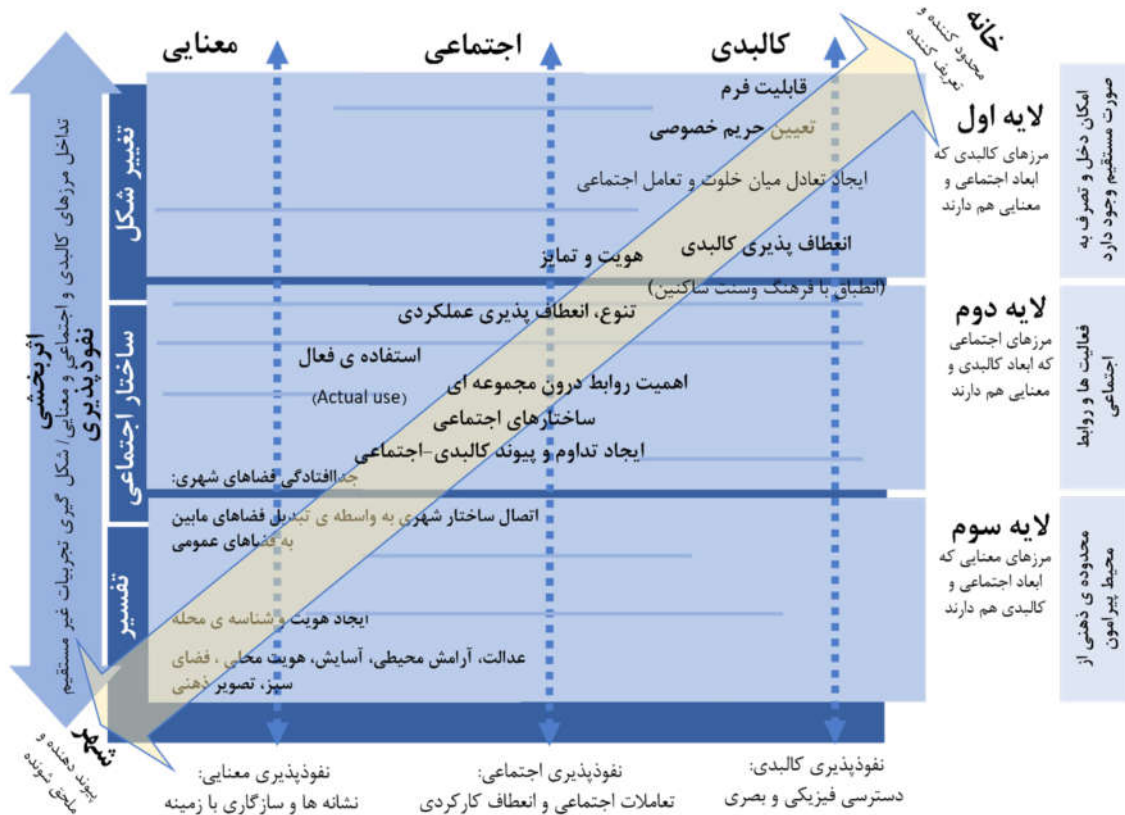
محیطی (نظیر ردپاها، تغییرات کالبدی و رفتارهای روزمره) که شکاف میان فضای بالقوه و بالفعل را مشخص می کنند (Chiesi & Costa, 2023, p. 19)، درک کرد. فضاهای مرزی با ایجاد قلمروهای فضایی می توانند بر بُعد اجتماعی فضا اثرگذار باشند. قلمروگرایی^{۲۴} شاخصی اجتماعی، در تعریف قلمروهای خصوصی و بالا بردن میزان دل بستگی به محیط زندگی است (Yaghmaeian & Habib, 2019, p. 24).

• **بُعد معنایی.** این بُعد مفاهیمی همچون ادراک، هویت، حس تعلق، و خاطره (Mortazavi, Bemanian & Ansari, 2018, p. 27; Iturra, 2015, p. 74) را شامل می شود. ادراک معنایی در فضاهای مرزی فرآیندی بدن مند (وابسته به بدن) و زمان مند (وابسته به زمان) است (Vis, 2013, p. 17; موسویان، گوهرریزی و شاهچراغی، ۱۳۹۸، ۵۹). فضاهای مرزی یا مابین، در مقیاس ها و لایه های مختلف پیرامون خانه، بر مفاهیمی وابسته به معنا، همچون رضایت از سکونت، نیز تأثیرگذار هستند (Moeini & Einifar, 2012, p. 35). در نهایت فضاهای مرزی با پیوند تجربیات در زمان و فضا (Iturra, 2015, p. 74)، زمینه ی لازم برای خلق معنا و شکل گیری خاطره در مکان را فراهم می کنند.

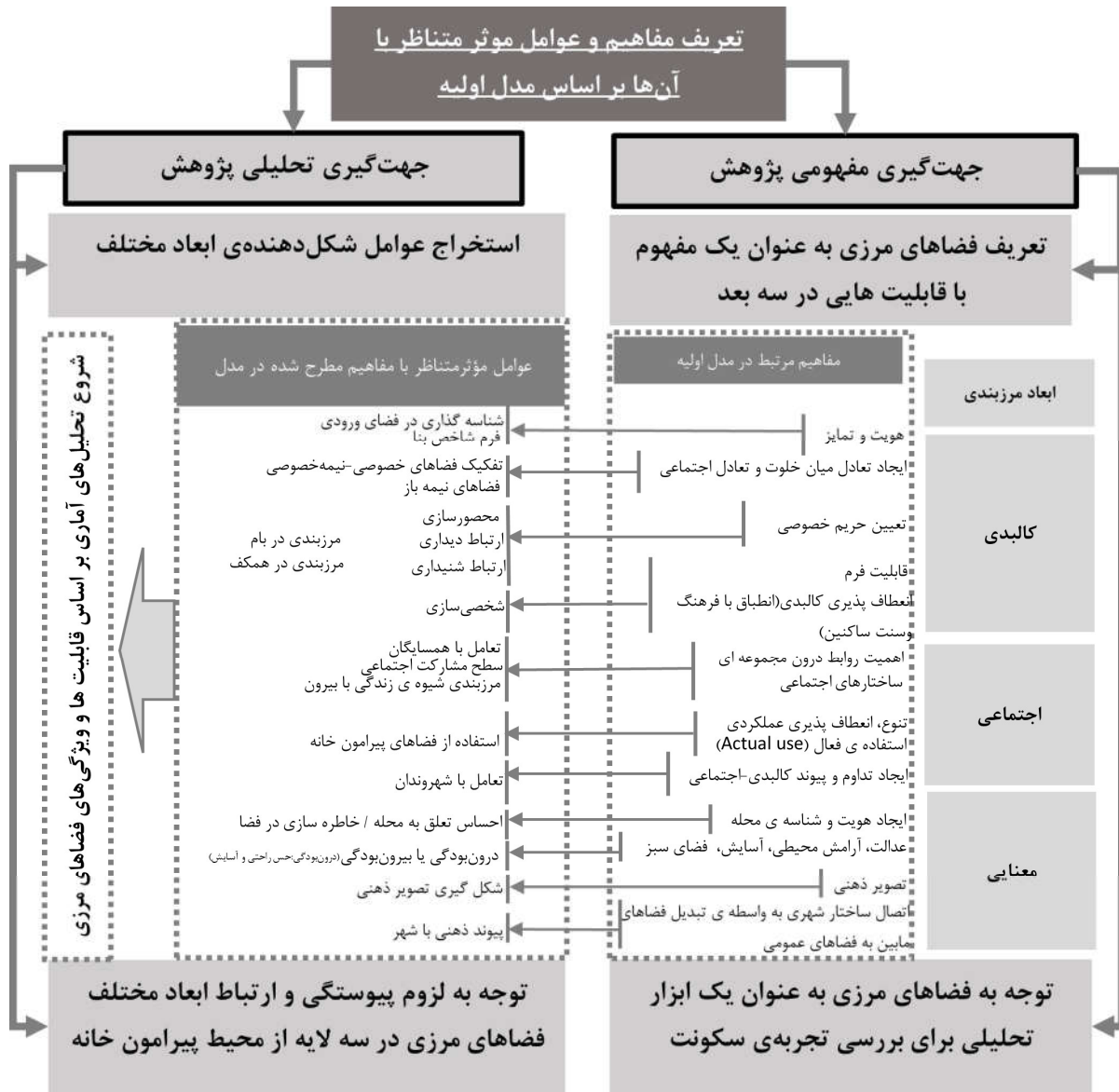
چارچوب مفهومی

نقش فضاهای مرزی در روابط چند بُعدی انسان و فضا و شکل گیری پیوندهای تعاملی، مبنای مدل سازی فرآیند و تحلیل تجربه ی سکونت در این پژوهش است. قابلیت های فضاهای مرزی در سه بُعد کالبدی، اجتماعی و معنایی فرآیند سکونت را، مفهومی چند وجهی، پویا و با ارتباطی چندلایه

تصویر ۱. مدل اولیه ی فرآیند سکونت در مرزهای سه لایه از محیط پیرامون خانه (باقیته های پژوهش)



تصویر ۲. تعریف مفاهیم و عوامل مؤثر متناظر با آن‌ها بر اساس مدل اولیه پژوهش (یافته‌های پژوهش)



تحلیل یافته‌ها

در تحلیل یافته‌ها ابتدا با روش مقایسه‌های زوجی و استفاده از روش ANP به تدوین مدل مفهومی تجربه زندگی در فضای مرزی خانه و پیرامون پرداخته خواهد شد، سپس مدل به دست آمده در مطالعه موردی در محله عیب‌زاکانی قزوین تبیین می‌شود.

تدوین مدل مفهومی ارتباط مرز خانه و پیرامون

برای تدقیق نحوه‌ی ارتباط سه لایه‌ی تعریف‌شده، عوامل مؤثر در شکل‌گیری مفاهیم مرتبط با هر بُعد از فضاهای مرزی در مدل اولیه‌ی فرآیند سکونت، به کمک مشاوره با متخصصان و مطالعه پیشینه موضوع، شناسایی شدند. سپس پرسش‌نامه‌ای شامل مقایسات زوجی، با مقیاس ۹ عددی ساعتی طراحی و توسط ۹ خبره‌ی دانشگاهی تکمیل شد. برای تحلیل پرسشنامه‌ی مذکور به روش ANP، ابتدا ساختار شبکه‌ای به کمک

نرم‌افزار *Desision Super* بررسی وزن عوامل در هر بُعد و بین سایر ابعاد را میسر کرد.

برای دستیابی به وزن هر عامل در فرآیند سکونت و در شکل‌گیری سایر عوامل و در نهایت رسیدن به مدل نهایی فرآیند سکونت، ابتدا از مقایسه‌های زوجی استفاده شد. سپس بررسی ارتباطات و مقایسه‌های زوجی بین ابعاد سه‌گانه با یکدیگر انجام و منجر به محاسبه سوپر ماتریس نرمال شده و ارائه‌ی مدل نهایی فرآیند سکونت شد.

- مقایسه‌های زوجی هدف و عوامل شکل‌دهنده‌ی ابعاد اصلی فضاهای مرزی. مقایسه‌های زوجی در روش ANP نشان‌دهنده‌ی وزن یا تأثیر هر عامل بر عوامل دیگر در همان بُعد است. برای هر سه بُعد، مقایسه‌های زوجی عوامل انجام شده است. در بُعد کالبدی بیشترین وزن عوامل به ترتیب متعلق به تفکیک فضاهای خصوصی-نیمه خصوصی،

بُعد معنایی، تعامل با همسایگان در بُعد اجتماعی و تفکیک فضاهای خصوصی-نیمه خصوصی در بُعد کالبدی بیشترین وزن را در میان سایر عوامل دارند. در هر ضلع مثلث نیز ابعاد فضاهای مرزی، که بیشترین تأثیرگذاری را بر یکدیگر دارند، مشخص شده است. در نگاهی کلی این مدل نشان‌دهنده روابط در هم تنیده و چند وجهی عوامل شکل‌دهنده فضاهای مرزی در فرآیند سکونت است.

تبیین مدل تجربه سکونت در نمونه موردی

محلۀ عیب زاکانی در شهر قزوین به‌عنوان نمونه‌ی موردی پژوهش و انطباق با مدل فرایند سکونت انتخاب شد. دلیل اصلی این انتخاب، جایگاه شناخته‌شده‌ی محلۀ در بافت تاریخی شهر از نگاه مدیریت شهری و شهروندان، همچنین ویژگی‌های زمینۀ ای و شاخص این محلۀ است. این محدوده نه تنها دارای ساکنانی اصیل است، بلکه به‌واسطه وجود عناصر ارزشمند همچون بناهای تاریخی، راسته‌های تجاری فعال و ترکیبی از واحدهای مسکونی قدیمی، تاریخی و نوساز، بستر مناسبی برای مشاهده تنوع تجارب سکونتی است (تصویر ۴). این تنوع شرایط، امکان بروز تفاوت میان تجربه واقعی سکونت ساکنان و مدل برآمده از دیدگاه خبرگان را که بیشتر مبتنی بر الگوهای نظری است، ممکن می‌سازد.

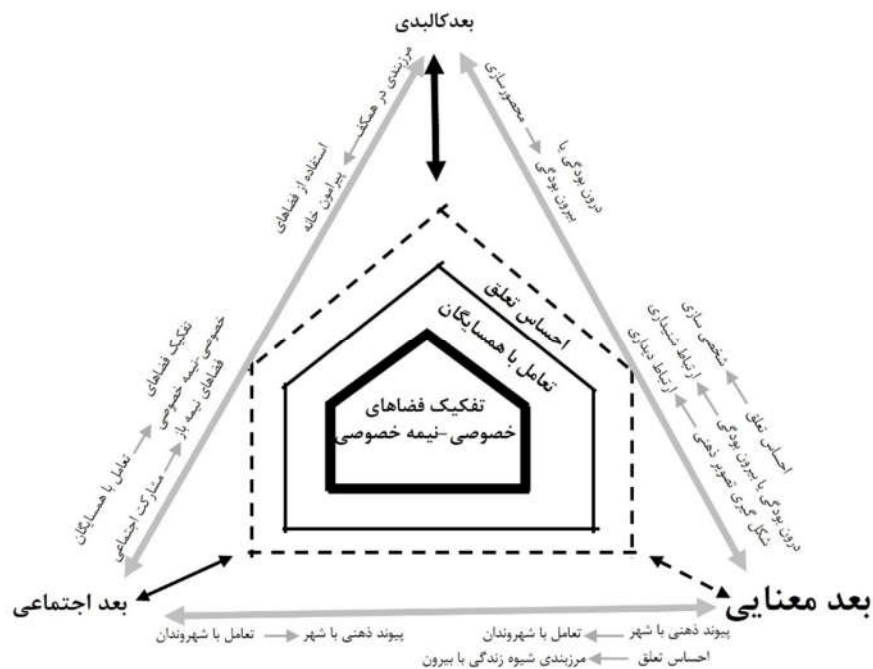
تحلیل تجربه‌ی سکونت در محلۀ عیب زاکانی، با مقایسه‌ی وزن عوامل در دو حالت نظر خبرگان و تجربه‌ی ساکنین در مدل فرایند سکونت انجام شد. در این رویه همسویی‌ها و تفاوت‌ها و ارزیابی میزان تأثیر عوامل زمینۀ ای و تحلیل تجربه‌ی سکونت بر اساس عوامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای مرزی امکان پذیر شد. در جدول ۱، داده‌های مورد نیاز برای تحلیل تجربه‌ی سکونت ساکنین بر اساس قابلیت‌های فضاهای مرزی در پیرامون خانه یکپارچه شده است.

شخصی‌سازی، هویت‌یابی فضای ورودی، فضاهای نیمه‌باز، مرزبندی در همکف، ارتباط دیداری، محصورسازی، فرم شاخص بنا، ارتباط دیداری و مرزبندی در بام است. در بُعد اجتماعی بیشترین وزن عوامل به ترتیب به تعامل با همسایگان، استفاده از فضاهای پیرامون، مرزبندی سبک زندگی با بیرون، مشارکت اجتماعی و تعامل با شهروندان تعلق داشته است. در بُعد معنایی نیز اولویت‌بندی عوامل بر اساس وزن آن‌ها به ترتیب شامل احساس تعلق، درون‌بودگی یا بیرون‌بودگی، خاطره‌سازی، شکل‌گیری تصویر ذهنی و در نهایت پیوند ذهنی با شهر است.

● بررسی ارتباطات و مقایسه‌های زوجی بین ابعاد سه گانه با یکدیگر و با هدف. ماتریس مقایسه‌های زوجی ابعاد سه گانه با یکدیگر نشان می‌دهد که در فرایند سکونت، بر اساس نظر خبرگان، تأثیر بُعد کالبدی بر دو بُعد اجتماعی و معنایی بیشتر از تأثیر این دو بُعد بر یکدیگر و بر بُعد کالبدی است. همچنین مقایسه‌ی ابعاد سه گانه با هدف نشان‌دهنده اهمیت بُعد معنایی در فرایند سکونت است. بعد از بُعد معنایی، بُعد اجتماعی و کالبدی به ترتیب بیشترین وزن را در شکل‌گیری فرایند سکونت دارند.

● محاسبه سوپرماتریس نرمال شده و ارائه‌ی مدل نهایی فرایند سکونت. پس از انجام مقایسه‌های زوجی، در سوپرماتریس روابط و وزن‌ها مشخص و با نرمال‌سازی، مقادیر در مدل توزیع می‌شود. با مقایسه‌ی اعداد نرمال‌شده در سوپرماتریس می‌توان اثرگذاری هر عامل بر عوامل دیگر را مقایسه و اولویت بندی کرد. در نهایت با تحلیل سوپرماتریس نرمال شده، مدل نهایی نقش عوامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای مرزی پیرامون خانه در فرایند سکونت (شکل ۳)، به دست می‌آید. این مدل نشان می‌دهد که بُعد معنایی، اجتماعی و کالبدی به ترتیب بالاترین اهمیت در فرایند سکونت را دارند. احساس تعلق در

تصویر ۳. مدل نهایی نقش عوامل شکل‌دهنده به فضاهای مرزی پیرامون خانه در فرایند سکونت، (بافته‌های پژوهش)



تحلیل کرد. تطبیق مقایسه‌های زوجی عوامل در ابعاد گوناگون فضاهای مرزی در نظر خبرگان (مدل فرایند سکونت) و تجربه‌ی ساکنین، از طریق بررسی همبستگی این عوامل (همبستگی اسپیرمن، به دلیل غیر نرمال بودن داده‌ها) در تجربه‌ی سکونت ساکنین انجام شده است. همسویی و عدم همسویی عوامل از طریق بررسی عوامل زمینه‌ای قابل تحلیل است. برای مثال:

- در مدل خبرگان عامل درون بودگی و بیرون بودگی وزن زیادی در تحقق محصورسازی دارد (به این معنا که حس آسایش در توجه ساکنین به محصورسازی محیط پیرامون تأثیرگذار است)، در تجربه‌ی ساکنین، بررسی همبستگی این دو عامل عدم همسویی را نشان می‌دهد، به این معنا که با افزایش آسایش ساکنین نیاز به محصورسازی کاهش می‌یابد.
 - در مدل خبرگان عامل احساس تعلق، وزن یا تأثیر زیادی در تحقق شخصی سازی دارد. در تجربه‌ی ساکنین نیز این دو عامل همسو هستند؛ به این معنا که افزایش احساس تعلق، منجر به افزایش تمایل ساکنین به شخصی سازی محیط پیرامون خانه می‌شود.
 - با وجود تأثیر زیادی که شکل‌گیری تصویر ذهنی بر ایجاد مرزهای کالبدی به واسطه‌ی کنترل ارتباط دیداری در نظر خبرگان دارد، در تجربه‌ی سکونت ساکنین، همبستگی منفی و معناداری بین این دو عامل دیده می‌شود. به این معنا که تقویت تصویر ذهنی با ارتباط بصری بیرون و درون رابطه عکس دارد. به عبارت دیگر تصویر ذهنی ساکنین به جای اینکه محصول ارتباط دیداری آن‌ها از درون به بیرون خانه باشد، حاصل بناهای شاخص و تاریخی و فعالیت‌های غالب موجود در محیط پیرامون است.
- در رابطه با تأثیر سایر عوامل مابین ابعاد مختلف فضاهای مرزی، که در ستون انتهایی جدول ۱ مشخص شده‌اند، تحلیل‌ها به صورت دو مثال بالا امکان پذیر است.

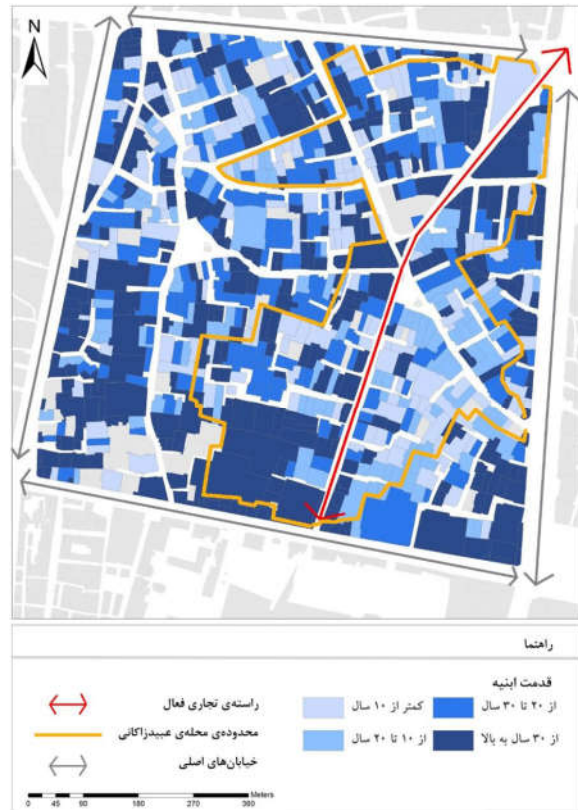
مدل نهایی سازوکار تجربه سکونت

کمی کردن مفاهیم به دست آمده از مدل اولیه‌ی فرایند سکونت (تصویر ۱) که بر اساس قابلیت‌های فضاهای مرزی تبیین شده، به صورت وزن عوامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای مرزی، می‌تواند منجر به شناختی دقیق‌تر از سازوکار تجربه‌ی سکونت شود. بدین ترتیب با مقایسه‌ی وزن این عوامل در نظر خبرگان و تجربه‌ی ساکنین و ارتباط مابین آنها، می‌توان به صورتی عینی‌تر و نزدیک‌تر به زندگی روزمره، تجربه‌ی سکونت را، توسط سازوکار مرزبندی‌های صورت گرفته در فرایند سکونت، مورد بررسی قرار داد. روند انجام پژوهش در مدل نهایی سازوکار تجربه‌ی سکونت، تصویر ۵، نشان داده شده است.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش تحلیل تجربه‌ی سکونت از نگاه ساکنین بوده است؛ تجربه‌ای که در فرایند سکونت در فضاهای مرزی خانه و پیرامون آن فعال، غنی و معنادار می‌شود. در واقع، افراد برای دستیابی به تجربه‌ی سکونت مطلوب، نیازمند فضاهای مرزی توانمندی هستند که کیفیت زندگی روزمره را بهبود بخشیده و به نیازهای چندبعدی پاسخ دهد. این فضاهای مرزی در ابعاد سه‌گانه‌ی مدل (کالبدی، اجتماعی و معنایی)، نقش

تصویر ۴. قدمت ابنیه و موقعیت راسته‌ی تجاری محله‌ی عبیدزاکانی (یافته‌های پژوهش)



با مقایسه وزن نهایی بُعدهای کالبدی، اجتماعی و معنایی از نقطه نظر خبرگان و تجربه‌ی ساکنین، می‌توان نتیجه گرفت که در هر دو مورد ابعاد معنایی، اجتماعی و کالبدی به ترتیب بیشترین وزن را در شکل‌گیری سکونت دارند. همچنین با مقایسه وزن نهایی عوامل هر بُعد از نقطه نظر خبرگان و شهروندان، و ردیابی علت تفاوت در تأثیرگذاری عوامل زمینه‌ای، می‌توان ویژگی‌های منحصر به فرد محله‌ی مورد نظر را بررسی و راهکارهایی را ارائه کرد. برای مثال:

- بیشترین وزن در میان عوامل کالبدی در نظر خبرگان متعلق به محصورسازی است. با بررسی عوامل زمینه‌ای مشخص می‌شود که محصورسازی، بعد از عامل زمینه‌ای پهنه‌ی سکونت که در اکثر موارد مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید، عامل زمینه‌ای نوع سکونت مؤثر است. به این معنا که به دلیل الگوی خطی و غیرمنعطف چیدمان ساختمان‌های محله، ساکنین امکانات متنوعی برای محصورسازی محیط پیرامون خود ندارند؛ تنها در مسکن‌های ویلایی، این امکان بیشتر است. بنابراین این عامل بر خلاف نظر خبرگان، در تجربه‌ی سکونت ساکنین از وزن بالایی برخوردار نیست.
 - بیشترین وزن در میان عوامل کالبدی در تجربه‌ی ساکنین متعلق به ارتباط دیداری است. در عوامل زمینه‌ای، پهنه‌ی سکونت بیشترین تأثیر بر این عامل بوده است. این موضوع نشان‌دهنده توجه ویژه‌ی ساکنین به کنترل ارتباطات دیداری در ابعاد کالبدی فضاهای مرزی پیرامون خانه است، که بسته به موقعیت وزن این عامل تغییر می‌کند.
- سایر عوامل در سایر ابعاد فضاهای مرزی را می‌توان به همین ترتیب

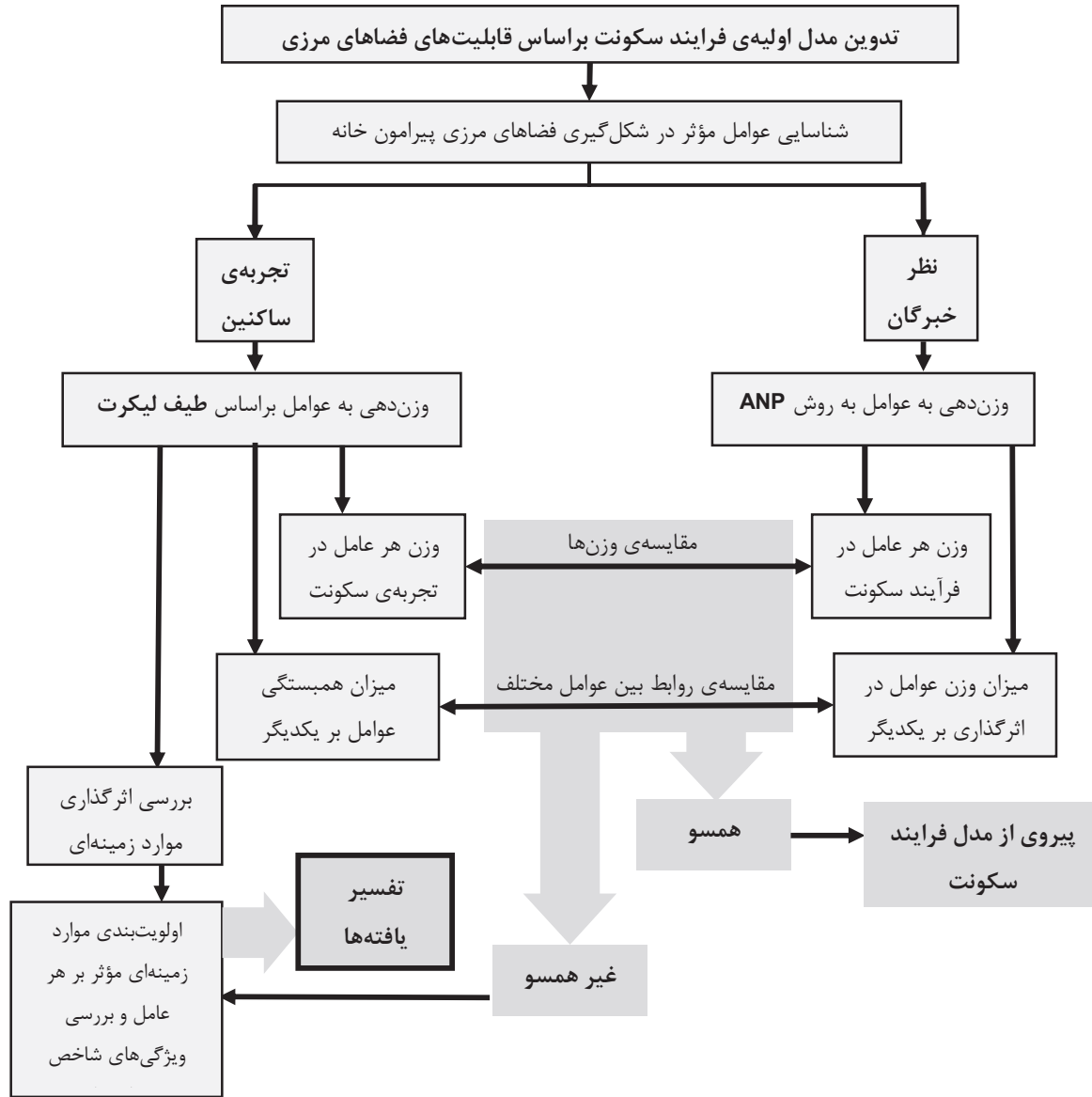
جدول ۱. شناخت و تحلیل تجربه‌ی سکونت ساکنین بر اساس قابلیت‌های فضاهای مرزی پیرامون خانه در محله عبید زاکانی (یافته‌های پژوهش)

بُعد مرزبندی	وزن هر بُعد در شکل‌گیری سکونت		عوامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای مرزی پیرامون خانه	عوامل زمینه‌ای			انطباق با مدل فرآیند سکونت		عوامل تأثیرگذار بر یکدیگر در ابعاد مختلف در مدل فرآیند سکونت
				نوع سکونت	مدت زمان سکونت	پهنه‌ی سکونت	وزن هر عامل در شکل‌گیری سکونت		
	تجربه‌ی ساکنین	نظر خبرگان					تجربه‌ی ساکنین	نظر خبرگان	
کالبدی	۰/۲۶۱۲	۰/۳۲۱۵	شناسه گذاری در فضای ورودی	۲/۲۹۲	۲/۹۴۱	۳/۹۹۵	۰/۰۹۳	۰/۱۲۰	درون بودگی و بیرون بودگی/ محصور سازی (عدم همسویی) (عدم معناداری)
			فرم شاخص بنا	۰/۸۱۱	۵/۵۵۸	۱۲/۰۹۱	۰/۰۷۵	۰/۰۷۷	احساس تعلق/ شخصی سازی (همسو) (معناداری)
			تفکیک فضای خصوصی و نیمه خصوصی	۴/۸۶۵	۳/۲۷۷	۶/۱۶۲	۰/۱۲۵	۰/۰۴۹	درون بودگی و بیرون بودگی/ ارتباط شنیداری (همسو) (معناداری)
			فضای نیمه باز	۲/۱۹۷	۲/۵۵۳	۳/۱۸۶	۰/۱۲۶	۰/۰۵۴	شکلگیری تصویر ذهنی/ ارتباط دیداری (عدم همسویی) (معناداری)
			محصور سازی	۲/۵۷۱	۱/۵۲۴	۱۱/۸۱۷	۰/۰۹۸	۰/۲۰۳	پیوند ذهنی با شهر/ تعامل با شهروندان (عدم همسویی) (عدم معناداری)
			ارتباط دیداری	۱/۲۸۳	۱/۵۸۵	۳/۰۱۹	۰/۱۳۳	۰/۰۷۶	احساس تعلق/ مرزبندی شیوه زندگی با بیرون (همسو) (معناداری)
			ارتباط شنیداری	۰/۶۶۶	۶/۱۴۳	۱۸/۹۹۷	۰/۱۳۰	۰/۱۱۸	مرزبندی در همکف/ استفاده از فضای پیرامون خانه (عدم همسویی) (عدم معناداری)
			مرزبندی در بام	۰/۶۲۹	۶/۰۳۰	۱۰/۸۷۸	۰/۰۶۶	۰/۰۱۵	تعامل با همسایگان/ تفکیک فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی (همسو) (معناداری)
مرزبندی در همکف	۱/۲۷۱	۲/۲۷۴	۱۴/۳۱۵	۰/۰۸۳	۰/۱۳۶	مشارکت اجتماعی/ فضاهای نیمه‌باز (همسو) (معناداری)			
شخصی سازی	۱/۵۵۰	۲/۳۲۵	۹/۷۲۵	۰/۰۷۲	۰/۱۵۲				
اجتماعی	۰/۳۲۲۴	۰/۳۳۰۸	تعامل با همسایه ها	۰/۶۲۳	۱۱/۶۴۱	۱/۵۵۶	۰/۲۳۴	۰/۳۶۴	احساس تعلق/ مرزبندی شیوه زندگی با بیرون (همسو) (معناداری)
			مشارکت اجتماعی	۰/۲۷۰	۵/۷۳۱	۱۰/۲۹۶	۰/۱۴۹	۰/۳۰۰	مرزبندی در همکف/ استفاده از فضای پیرامون خانه (عدم همسویی) (عدم معناداری)
			مرزبندی شیوه زندگی با بیرون	۱/۰۲۳	۳/۵۴۱	۱۶/۲۹۹	۰/۱۲۱	۰/۱۲۸	تعامل با همسایگان/ تفکیک فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی (همسو) (معناداری)
			استفاده از فضاهای پیرامون خانه	۰/۶۲۹	۲/۰۷۴	۶/۳۸۸	۰/۲۳۲	۰/۱۱۰	مشارکت اجتماعی/ فضاهای نیمه‌باز (همسو) (معناداری)
تعامل با شهروندان	۱/۱۴۹	۱/۲۶۳	۵/۷۸۸	۰/۲۴۳	۰/۰۹۸				
معنایی	۰/۴۱۶۳	۰/۳۴۷۶	احساس تعلق	۰/۶۶۶	۱۱/۹۰۲	۱/۳۱۲	۰/۱۹۰۷	۰/۳۹۲۵	مشارکت اجتماعی/ فضاهای نیمه‌باز (همسو) (معناداری)
			خاطره سازی در فضا	۰/۳۲۴	۱۱/۲۰۵	۴/۰۱۷	۰/۱۷۷۲	۰/۲۱۷۵	
			درون بودگی یا بیرون بودگی	۰/۵۳۱	۴/۰۵۲	۱۵/۲۶۱	۰/۱۸۵۹	۰/۱۶۰۶	
			شکلگیری تصویر ذهنی	۱/۶۰۶	۴/۷۳۲	۵/۳۴۱	۰/۲۰۶۲	۰/۱۲۵۰	
پیوند ذهنی با شهر	۰/۵۴۸	۱/۹۶۰	۴/۸۱۹	۰/۲۴۰۰	۰/۱۰۴۴				

شاخص پژوهش است. تبیین مدل پژوهش در محله عبید زاکانی قزوین، نمونه‌ای برای استفاده از مدل برای مطالعه محلات دیگر با امکان کسب نتایج متأثر از هر مکان است. در واقع به کمک قابلیت‌ها و ویژگی‌های فضاهای مرزی که در چارچوب مفهومی پژوهش (تصویر ۱) دسته‌بندی و مدل‌سازی شده‌اند، می‌توان به صورت دقیق‌تری به نقش فضاهای مرزی در شکل‌گیری تجربه در محیط پیرامون خانه پی‌برد. از طرفی با کمی کردن مفاهیم امکان تحلیل دقیق‌تری از وضع موجود هر محله فراهم شده و با مقایسه‌ی نظر خبرگان و تجربه‌ی ساکنین طرح‌ها به جریان زندگی روزمره نزدیک‌تر خواهند شد.

بنابراین، فضاهای مرزی پیرامون خانه همچون پوست یک موجود زنده عمل می‌کنند. این مرزها نه یک خط جداکننده‌ی صرف، بلکه

محوری دارند. فضاهای مرزی باید مانند بستری پیونددهنده میان سه بُعد کالبدی، اجتماعی و معنایی عمل نمایند؛ به گونه‌ای که در بُعد کالبدی بستری برای امکان شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی فراهم شود؛ در بُعد اجتماعی، تعاملات را فعال کند و بُعد معنایی به‌عنوان محصول نهایی این فرایند، مفاهیمی چون احساس تعلق و هویت یافتن با محیط و هویت دادن به محیط را محقق سازد. در ک رابطه‌ی تعاملی این سه بُعد، کلید طراحی محیط‌های انسان‌محور و زمینه‌گرا در فضاهای مسکونی است. مزیت این روش آن است که با تطبیق تجربه‌ی ساکنان با مدل فرآیند سکونت، زمینه‌ی هدایت طراحان و برنامه‌ریزان به سوی تصمیم‌گیری مبتنی بر واقعیت‌ها فراهم می‌شود. روند پژوهش (تصویر ۵) که می‌تواند با استفاده از مدل تدوین‌شده (تصویر ۳) تکرارپذیری داشته باشد، دستاورد



را حفظ نماید. بدین ترتیب تحلیل سازوکار تأثیرگذاری ابعاد مختلف فضاهای مرزی بر تجربه‌ی سکونت ساکنان، طراحان و برنامه‌ریزان را قادر می‌سازد تا با اولویت‌بخشی به جنبه‌های معنایی و اجتماعی در طراحی، تسهیل شخصی‌سازی و انعطاف‌پذیری در مرزهای کالبدی و توجه به عوامل زمینه‌ای، به طرح‌هایی زمینه‌گرا و انسان‌محور دست یابند.

مرزهایی مولد و فعال هستند، لایه‌ای پویا، تنفس‌پذیر و سازگار که میان فضای درونی (نیاز به خلوت، آسایش و امنیت) و فضای بیرونی (تعاملات اجتماعی و هویت محله) پیوستگی ایجاد می‌کنند. چنین پوسته‌ای باید به قدر کافی منعطف و حساس طراحی شود تا بتواند تغییرات جزئی را در خود جذب کرده و در عین حال، ساختار هویتی محیط پیرامون خانه

پی‌نوشت‌ها

1. Life Between Buildings.
3. Liminality.
5. Analytic Network Process.
6. Clusters.
8. Benjamin Nicolaas Vis.
10. Urban Borderland.

2. The Psychology of Housing.
4. Thomas L. Saaty.
7. Inge Boer.
9. Hall.
11. Bell Hooks.

12. Grosz.

14. Peter Eisenman.
16. Between Condition.
18. Interiority.
20. Lefebvre's Everyday Life Theory.
21. Production of Space.
23. Appropriation.

13. Derrida.

15. Interstitial Space.
17. Blurring.
19. Anteriority.
22. Placemaking.
24. Territorialization.

فهرست منابع

- Aboualy, S., Mansour, Y., & El-Fiki, S. (2023). Transformations and appropriations of the in-between spaces in Cairo. *Open House International*, 48(1), 185–203. <https://doi.org/10.1108/OHI-07-2021-0135>
- Aghalatif, A., & Isa, H. (2018). Impression of meaning of home from physical transformation in Contemporary Era of Tehran [Barrasi-ye tāsir-paziri-ye mafhum-e khane az tahavvolāt-e kalbodi-ye ān dar dourān-e moāser dar shahr-e Tehran]. *Journal of Fine Art: Architecture and Urban Planning*, 23(4), 5-14. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2018.219937.671690> (in Persian)
- Alexander, Ch. (2014). *A City is not a Tree* [Shahr derakht nist]. (2ed). Tehran: Arman shahr. (in Persian)
- Ali Niyaie Motlagh, A., Shakouri, R., & Einifar, A. R. (2020). Explanation of the Liminality Concept in the Inside-Outside Dialectic of Boundaries in Architecture [Tabyin-e mafhūm-e āsānegi dar barham-konsh-e dorun va birun-e mahdudeh-hā dar me'māri]. *Journal of Fine Art: Architecture and Urban Planning*, 25(2), 31-42. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2020.304505.672477> (in Persian)
- Askarizad, R., & Safari, H. (2020). The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in urban spaces (case study: The pedestrian zone of Rasht Municipality Square, Iran). *Cities*, 101, 102687. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102687>
- Attar Abbasi, Z., Einifar, A. R., Foroutan, M., & Soroush, M. M. (2020). Investigating the mechanism of the void's physical-semantic effect on social interactions [Barrasi-ye sāz-o-kār-e asargozāri-ye vizhegi-hā-ye kalbodi-mā'nāyi-ye tahi bar tāmelāt-e ejtemā'i]. *Haft Hesar Journal of Environmental Studies*, 9(33), 43-62. <https://doi.org/10.29252/hafthesar.9.33.43> (in Persian)
- Badie, N. (2002). *Facades: The Border of Connection* [Jeddāreh-hā, harim-e vasl]. [Doctoral dissertation, University of Tehran]. Electronic Dissertations and Theses University of Tehran (ETDs). <https://doi.org/10.30495/hoviatshahr.2021.17426>
- Bemanian, M. R., Dehghan, N., Zare, Z., & Yeganeh, M. (2021). Investigating the Relationship between Legibility and the Rate of Territorial Behavior in Urban Parks [Tabyin-e rabete-ye khānāyi-ye fazā bā mizān-e raftār-e qalamro-pāyi-ye shahrvandān dar pārk-hā-ye shahri]. *Hoviate Shahr*, 15(48), 5-20. <https://doi.org/10.30495/hoviatshahr.2021.17426> (in Persian)
- Bonakdar, A., & Gharai, F. (2011). Paradigm shifts in urban design principles: From physical, social, and perceptual components toward a placemaking approach [Tāghir-e paradigm-ha dar osul-e tarahi-ye shahri; az mo'allefeh-ha-ye kalbodi, ejtemā'i va edraki be rahyafte-makan-saz]. *Journal of Architecture and Urban planning*, (6), 51–70. <https://doi.org/10.30480/aup.2011.172> (in Persian)
- Browning, C. R., & Soller, B. (2014). Moving beyond neighborhood: Activity spaces and ecological networks as contexts for youth development. *Cityscape (Washington, DC)*, 16(1), 165-196. <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:9416924>
- Brunec, I. K., Moscovitch, M., & Barense, M. D. (2018). Boundaries shape cognitive representations of spaces and events. *Trends in Cognitive Sciences*, 22(7), 637–650. <https://doi.org/10.1016/j.tics.2018.03.013>
- Chiesi, L., & Costa, P. (2023). How Design Is Appropriated: Understanding Habitation through the Observation of Situated Behavior. *Social Sciences*, 12(6), 319. <https://doi.org/10.3390/socsci12060319>
- Choolen, H., Meeters, J. (2012). Editorial special issue: house, home and dwelling. *J Hous and the Built Environ* 27,1–10. <https://doi.org/10.1007/s10901-011-9247-4>
- Einifar, A. R., & Aghalatif, A. (2011). Concept of Territory in Residential Complexes: A Comparative Study of two High-rise and Low-rise Complexes in Tehran [Mafhūm-e ghalamrow dar majmu'eh-hā-ye maskuni; motāle'eh-ye moghāyesē'i-ye do majmu'eh-ye maskuni dar sath va dar etefā' dar Tehrān]. *Journal of Fine Art: Architecture and Urban Planning*, 47(3), 17-28. <https://doi.org/10.1001.1.22286020.1390.3.47.2.8> (in Persian)
- Eslami Mojaveri, N. (2023). Study of environment-behavior in three types of the urban context of Tehran-Comparative analysis of the Chizar, Narmak, and Khazane neighborhoods' context using survey and space syntax methods. *Qeios*. <https://doi.org/10.32388/N41XLO>
- Hensel, M. U. (2011). Performance-oriented Architecture and the Spatial and Material Organisation Complex. Rethinking the Definition, Role and Performative Capacity of the Spatial and Material Boundaries of the Built Environment, *FORMakademisk*, 4(1), <https://doi.org/10.7577/formakademisk.125>
- Gharavi Alkhansari, M. (2011). *The Interaction Between Stability and Dynamism for Developing an Architectural Flexibility, With Analysis of Some Cases of Contemporary Flexible Housings* [Tāmol-e pāyāyi va puyāyi dar enetāfpaziriye asare me'māri, bā tahlile nemunehhāyi az maskane enetāfpazire moāser]. [Doctoral dissertation, University of Tehran]. Electronic Dissertations and Theses University of Tehran (ETDs). (in Persian)
- Gharavi Alkhansari, M. (2017). Analysis of Potentials in Architectural Flexibility [Gūneh-bandi va tahlil-e ghābeliyat-hā dar anvā'-e ruykard-hā-ye enetāf-paziri]. *Soffeh*, 27(76), 37-54. <https://doi.org/10.1001.1.1683870.1396.27.1.3.3> (in Persian)
- Groat, L., & Wang, D. (2011). *Architectural research methods* [Ravesh-hā-ye tahqiq dar me'māri] (A. Einifar, Trans). (5ed). Tehran: University of Tehran Press. (Original work published 2002) (in Persian)
- İnan, F. S. (2019). *In-between spaces: The METU Faculty of Architecture building complex* [Master's Thesis, Middle East Technical University (Turkey)]. Electronic Dissertations and Theses Middle East Technical University (Turkey) (ETDs).
- Iossifova, D., & Kostenwein, D. (2024). Urban Borderlands: Difference, Inequality, and Spatio-Temporal In-Betweenness in Cities. *Urban Planning*, 9. <https://doi.org/10.17645/up.8288>
- Iturra Muñoz, L. (2015). The woven city: exploring the experience of time-space in residential habitats from a visual ethnographic approach. *Man In India*, 95 (1), 73-81. <https://repositorio.uchile.cl/handle/2250/134502>
- Jalili, M., Einifar, A. R., Madani, R., & Judd, B. (2020). Gated Communities Gated Communities: Genesis, Proliferation, Types and Consequences [Mahalleh-hā-ye mahsur: peydāyesh, gostarsh, gooneh-hā va payāmad-hā]. *Journal of Iran Architecture and Urbanism (JIAU)*, 11(1), 249-267. <https://doi.org/10.30475/isau.2020.228678.1401> (in Persian)
- Jalili, M., Einifar, A. R., Madani, R., & Judd, B. (2021). The Effects of Residential Communities' Physical Boundaries on Residents' Perception of Fear of Crime: A Comparison Between Gated, Perceived Gated, and Non-Gated Communities in Ekbatan Neighborhood, Tehran [Tāsir-e mahdudeh-ye kalbodi-ye majmu'eh-hā-ye maskuni bar tars az jorm-e sākenān: motāle'eh-ye moredi; moghāyeseh-ye majmu'eh-hā-ye maskuni-ye mahsur, mahsur-e nemādin va gheyr-e mahsur dar shahrak-e Ekbatān]. *Journal of Iran Architec-*

- ture and Urbanism (JIAU), 12(2), 189-204. <https://doi.org/10.30475/isau.2021.196767.1273> (in Persian)
- Keramati, G. (2008). *Rereading the Coexistence of Soft Space and Hard Space in Iranian Architecture* [Bāzkhāni-ye ham-neshini-ye narm-fazā va sakht-fazā dar me'māri-ye irāni] [Doctoral dissertation, Islamic Azad University]. Electronic Dissertations and Theses Islamic Azad University (ETDs). (in Persian)
- Kiaei, M., Soltanzadeh, H., & Heidari, A. A. (2019). Measure the flexibility of the spatial system using space syntax (Case Study: Houses in Qazvin) [Sanjesh-e enetāf-paziri-ye nezām-e fazāyi bā estefādeh az teknik-e chideman-e fazā (motāle'eh-ye moredi: Khāneh-hā-ye shahr-e Qazvin)]. *Bagh-e-Nazar*, 16(71), 61-76. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.86874> (in Persian)
- Lim, J. P., Ng, V. (2018). Tracing liminality: A multidisciplinary spatial construct. *Journal of Engineering and Architecture*, 6(1), 76-90. 10.15640/jea.v6n1a8
- Mirshahzadeh, S., Eslami, S. G., & Einifar, A. R. (2011). The Role of the Boundary-Connecting Space in the Process of Meaning Creation: Assessing the Meaning-Making Potential of Space using a Semiotic Approach [Naghsh-e fazā-ye marzi-peyvandi dar farāyand-e āfarinesh-e ma'nā (arzyābi-ye tavān-e ma'nā-āfarini-ye fazā be komak-e ruykard-e neshāneh-shenāsi)]. *Hoviate Shahr*, 5(9), 5-16. (in Persian)
- Moeini, M., & Einifar, A. (2012). Impact of In-between Spaces on Residential Environment Quality A Case Study on Public Housing in Kerman. *Architecture and Urban Development*, 1(3), 29-36. <https://doi.org/20.1001.1.22287396.2012.2.1.4.3>
- Mortazavi, H., Bemanian, M. R., & Ansari, M. (2018). A Comparative Analysis of Semantic Values in Liminal Spaces of Traditional Houses (Case Study: Yazd Traditional Houses). *READING*, 2528, 9705. <https://doi.org/10.22111/ijas.2019.5964>
- Mousavi, S. J., Einifar, A. R., Partovi, P., & Habib, F. (2019). Dialogue of Inside and Outside in a Phenomenological Approach to Place-Dialectic between the Inside and the Outside: A phenomenological approach to place [Goft-o-guy-e dorun va borun dar negarshi-ye padidarshenasāneh be makān]. *Hoviate Shahr*, 13(39), 35-46. <https://www.sid.ir/paper/154558/fa> (in Persian)
- Mousavi, S. J., Hatami, S., & Talischi, G. (2012). Boundaries, Places [Marz-hā, makān-hā]. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 11(25), 189-199. <https://sid.ir/paper/202491/fa> (in Persian)
- Ng, V., & Lim, JP. (2018). Tracing Liminality: A Multidisciplinary Spatial Construct. *Journal of Engineering and Architecture*, 6(1), 79-90. 10.15640/jea.v6n1a8
- Nouri, E. (2021). Interconnection spaces, a solution to architectural sustainability [Fazā-hā-ye mafṣali, rāhkāri dar pāydāri-ye me'māri]. *Journal of Architectural Thought*, (9), 120-134. <https://doi.org/10.52547/jria.9.2.1> (in Persian)
- Nouri, E., & Einifar, A. R. (2021). Analyzing the quality of in-between spaces of mosque and city: comparative study of entrances in regional (traditional and modern) contemporary mosque in Tehran [Tahlil-e keyfiyat-e fazā-ye mābeyn-e masjid va shahr; motāle'eh-ye moghāyese'i-ye vorudi-ye masjid-e manteqe'i (sonnati va modern) moāser-e Tehrān]. *Journal of Researches in Islamic Architecture*, (29), 1-18. <https://doi.org/10.52547/jria.9.2.1> (in Persian)
- Ramzi, M., Yeganeh, M., & Bamanian, M. R. (2021). Analyzing the Effect of Spatial Distinction on the level of Common Values between Citizens (Case Study: Selected Neighborhoods of Ahvaz) [Tahlil-e ta'sir-e tamāyoz-e makāni bar mizān-e arzesh-hā-ye moshtarak beyn-e shahrvandān (motāle'eh-ye moredi: mahalleh-hā-ye montakhab-e Ahvāz)]. *Urban Design Discourse*, 2(3), 59-70. https://journals.modares.ac.ir/article_23196.html (in Persian)
- Rezaei, N., Mohammadzadeh, R., & Omranipour, A. (2016). Social Quality Evaluation of Open and SemiOpen Circulation Routes at the University Campuses, Case Study: Campus of the University of Kashan [Arzyābi-ye keyfiyat-e ejtemā'i-ye masir-hā-ye erdebāti-ye bāz va nimēh-bāz-e pardis-hā-ye dāneshgāhi, motāle'eh-ye moredi: pardis-e dāneshgāh-e Kāshān]. *Journal of Architecture Studies*, (10), 183-206. <https://doi.org/10.63616/taj.v01.i02.02> (in Persian)
- Riahi Fard, A. (2013). Survey on the appropriate distribution of open space in order to upgrandthe quality of modern urban residential areas in Tehran [Barrasi-ye nahve-ye tozi'-e monāseb-e fazā-ye khāli dar bālātarin keyfiyat-e fazā-hā-ye sokunatgāhi-ye shahri-ye moāser-e Tehrān]. *Hoviate Shahr*, 7(15), 71-82. <https://sid.ir/paper/154757/fa> (in Persian)
- Satty, T. L. (2001). *The analytic network process: decision making with dependence and feedback*. Pittsburgh, PA, US: RWS Publications.
- Sfintes, A. (2016). Boundary-spaces in the architectural anthropology [Doctoral dissertation, Ion Mincu University]. Electronic Dissertations and Theses Ion Mincu University (ETDs).
- Shehab, N., & Salama, A. M. (2018). The spatiality of segregation: Narratives from the everyday urban environment of Gothenburg and Glasgow. *ArchNet-IJAR: International Journal of Architectural Research*, 12(1), 71-90. <https://doi.org/10.26687/archnet-ijar.v12i1.1502>
- Sim, D. (2019). *Soft city: building density for everyday life*. Island Press.
- van den Brink, M., van den Brink, A., & Bruns, D. (2022). Boundary thinking in landscape architecture and boundary-spanning roles of landscape architects. *Landscape Research*, 47(8), 1087-1099. <https://doi.org/10.1080/01426397.2022.2091121>
- Vis, B. N. (2018). *Cities made of boundaries: mapping social life in urban form*, UCL Press.
- Vis, B. N. (2024). *Boundaries of the built environment: defining the significance of the material presence of spatial morphology in social life*. Open Research Europe, 3, 184. <https://doi.org/10.12688/openresearch.16591.2>
- Vis, B. N. (2013). *Mapping the inhabited urban built environment. The socio-spatial significance of the material presence of boundaries through time* [Doctoral dissertation, University of Leeds]. Electronic Dissertations and Theses University of Leeds (ETDs).
- Yaghmaei, Sh., Habib, F. (2019). Developing PPP Model of Place Attachment for Evaluating Residential Environment (Cases Study: Open Space of Iranzamin and Ekbatan Apartment Buildings). *International Journal of Architecture and Urban Development*, 9(1), 17-24. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.36475.57126>
- Zerouati, W., & Bellal, T. (2020). Evaluating the impact of mass housings' in-between spaces' spatial configuration on users' social interaction. *Frontiers of Architectural Research*, 9(1), 34-53. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2019.05.005>
- آقالطیعی، آزاده و حجت، عیسی (۱۳۹۷). بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۳(۴)، ۴۱-۵۴. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2018.219937.671690>
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۳). شهر درخت نیست (چاپ دوم) (فرناز فرشاد و شمیم گلرخ، مترجمان). انتشارات آرمانشهر.
- بدیعی، ناهید (۱۳۸۱). جمارها، حریم وصل [رساله دکتری، دانشگاه تهران]. پایان نامه‌ها

- ورساله‌های الکترونیکی دانشگاه تهران. بمائیان، محمدرضا؛ دهقان، نگار؛ زارع، زهرا و یگانه، منصور (۱۴۰۰). تبیین رابطه خوانایی فضا با میزان رفتار قلمروپایی شهروندان در پارک‌های شهری. هویت شهر، ۴۸(۱۵)، ۲۰-۵. <https://doi.org/10.30495/hoviatshahr.2021.17426>
- بنکدار، احمد و قرائی، فریبا (۱۳۹۰). تغییر پارادایم‌ها در اصول طراحی شهری؛ از مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی و ادراکی به رهیافت مکان‌سازی. نامه‌ی معماری و شهرسازی، ۶(۶)، ۵۱-۷۰. <https://doi.org/10.30480/aup.2011.172>
- جلیلی، محمد؛ عینی‌فر، علیرضا؛ مدنی، رامین و جاد، بروس (۱۳۹۹). محله‌های محصور: پیدایش، گسترش، گونه‌ها و پیامدها. معماری و شهرسازی ایران (JIAU)، ۱۱(۱)، ۲۴۹-۲۶۷. <https://doi.org/10.30475/isau.2020.228678.1401>
- جلیلی، محمد؛ عینی‌فر، علیرضا؛ مدنی، رامین و جاد، بروس (۱۴۰۰). تأثیر محدودی کالبدی مجموعه‌های مسکونی بر ترس از جرم ساکنان مطالعه موردی: مقایسه‌ی مجموعه‌های مسکونی محصور، محصور نمادین و غیرمحصور در شهرک اکباتان. معماری و شهرسازی ایران (JIAU)، ۱۲(۲)، ۱۸۹-۲۰۴. <https://doi.org/10.30475/isau.2021.196767.1273>
- رامزی، منصور؛ یگانه، منصور و بمائیان، محمدرضا (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر تمایز مکانی بر میزان ارزش‌های مشترک بین شهروندان (مطالعه موردی: محلات منتخب اهواز). گفتن‌ان طراحی شهری: مروری بر ادبیات و نظریه‌های معاصر، ۲(۳)، ۵۹-۷۰. https://journals.modares.ac.ir/article_23196.html
- رضایی، ناهیده؛ محمدرضا، رحمت؛ و عمرانی‌پور، علی (۱۳۹۵). ارزیابی کیفیت اجتماعی مسیرهای ارتباطی باز و نیمه باز پردیس‌های دانشگاهی، مطالعه موردی: پردیس دانشگاه کاشان. مطالعات معماری ایران، ۱۰(۵)، ۱۸۳-۲۰۶. <https://doi.org/10.63616/taj.v.01.i.02.02>
- ریاحی‌فرد، عباس (۱۳۹۲). بررسی نحوه توزیع مناسب فضای خالی در بالاترین کیفیت فضاهای سکونتگاهی شهری معاصر تهران. هویت شهر، ۷(۱۵)، ۷۱-۸۲. <https://sid.ir/paper/154757/fa>
- عطار عباسی، زهره؛ عینی‌فر، علیرضا؛ فروتن، منوچهر و محمد مهدی، سروش (۱۳۹۹). بررسی سازو کار اثرگذاری ویژگی‌های کالبدی-معنایی تهی بر تعاملات اجتماعی. مطالعات محیطی هفت حصار، ۹(۳۳)، ۴۳-۶۲. <https://doi.org/10.29252/hafthesar.9.33.43>
- علی‌نیا، مطلق، ایوب؛ شکوری، رضا و عینی‌فر، علیرضا (۱۳۹۹). تبیین مفهوم آستانگی در برهم‌کنش درون و بیرون محدوده‌ها در معماری. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۵(۲)، ۳۱-۴۲. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2020.304505.672477>
- عینی‌فر، علیرضا و آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۰). مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی مطالعه‌ی مقایسه‌ای دو مجموعه‌ی مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران. نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳(۴۷)، ۱۷-۲۸. <https://doi.org/10.1001.1.22286020.1390.3.47.2.8>
- غروی الخوانساری، مریم (۱۳۹۶). گونه‌بندی و تحلیل قابلیت‌ها در انواع رویکردهای انعطاف‌پذیری. صفه، ۲۷(۷۶)، ۳۷-۵۴. <https://doi.org/10.1001.1.1683870.1396.27.1.3.3>
- غروی الخوانساری، مریم (۱۳۹۰). تعامل پایایی و پویایی در انعطاف‌پذیری اثر معماری، با تحلیل نمونه‌هایی از مسکن انعطاف‌پذیر معاصر [رساله‌ی دکتری، دانشگاه تهران]. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های الکترونیکی دانشگاه تهران.
- کرامتی، غزال (۱۳۸۷). بازخوانی هم‌نشینی نرم‌فضا و سخت‌فضا در معماری ایرانی [رساله‌ی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی]. پایان‌نامه‌ها و رساله‌های الکترونیکی دانشگاه آزاد اسلامی.
- کیایی، مه‌دخت؛ سلطان‌زاده، حسین و حیدری، علی‌اکبر (۱۳۹۸). سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا (مطالعه موردی: خانه‌های شهر قزوین). باغ نظر، ۱۶(۷۱)، ۶۱-۷۶. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.86874>
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در معماری (چاپ پنجم) (علیرضا عینی‌فر، مترجم). انتشارات دانشگاه تهران. (چاپ اثر اصلی ۲۰۰۲)
- موسوی، سیدجلیل؛ حاتمی؛ سنبل و طلیسچی، غلامرضا (۱۳۹۱). مرزها، مکان‌ها. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱(۲۵)، ۱۸۹-۱۹۹. <https://sid.ir/paper/202491/fa>
- موسوی، سیدجلیل؛ عینی‌فر، علیرضا؛ پرتوی، پروین و حبیب، فرح (۱۳۹۸). گفت و گوی درون و برون در نگرشی پدیدارشناسانه به مکان. هویت شهر، ۱۳(۳۹)، ۳۵-۴۶. <https://www.sid.ir/paper/154558/fa>
- میرشاهزاده، شروین؛ اسلامی، سید غلامرضا و عینی‌فر، علیرضا (۱۳۹۰). نقش فضای مرزی - پیوندی، در فرایند آفرینش معنا (ارزیابی توان معنا آفرینی فضا به کمک رویکرد نشانه‌شناسی). هویت شهر، ۵(۹)، ۵-۱۶. <https://doi.org/10.52547/jria.9.2.1>
- نوری، الهام (۱۴۰۰). فضاهای مفصلی، راهکاری در پایداری معماری. اندیشه معماری، ۵(۹)، ۱۲۰-۱۳۴. <https://doi.org/10.30479/at.2020.12115.1388>
- نوری، الهام و عینی‌فر، علیرضا (۱۴۰۰). تحلیل کیفیت فضای مابین مسجد و شهر مطالعه مقایسه‌ای ورودی مساجد منطقه‌ای (ستتی و مدرن) معاصر تهران. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۹(۲)، ۱-۱۸. <https://doi.org/10.52547/jria.9.2.1>